

تأملی درباره ایران

مقدمه

نظریه حکومت قانون در ایران

بخش اول

مبانی نظریه مشروطه خواهی

جواد طباطبایی

سرشناسه: طباطبایی، جواد، ۱۳۲۴
عنوان و نام پدیدآور: تأملی دربارهٔ ایران، Reflections on Iran / جواد طباطبایی.

مشخصات نشر: تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ج

شابک دوره: ۹-۲۳-۶۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۲، ق. ۱، ۲-۲۲-۶۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

ج. ۲، ق. ۲، ۵-۲۱-۶۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

یادداشت: فهرست‌نویسی براساس جلد دوم: ۱۳۹۱

یادداشت: کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشران مختلف به چاپ رسیده است.

یادداشت: کتابنامه / یادداشت: نمایه

مندرجات: ج. ۲، ق. ۱: نظریه حکومت قانون در ایران: مکتب تبریز و مبانی
تجددخواهی: ج. ۲، ق. ۲: نظریه حکومت قانون در ایران: مبانی نظریه مشروطه‌خواهی
موضوع: علوم سیاسی-ایران-تاریخ / موضوع: جامعه‌شناسی-تاریخ / موضوع:
تجدد-ایران / موضوع: مشروطیت / موضوع: ایران-تاریخ-انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق.

رده‌بندی کنگره: ۱۷ ط ۹ الف / J۸۸۴

رده‌بندی دیوبی: ۳۲۰/۵۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۹۷۸۳۲



انتشارات مینوی خرد

تألیف: جواد طباطبایی
جلد دوم

نظریه حکومت قانون در ایران
بخش دوم

مبانی نظریه مشروطه‌خواهی

جواد طباطبایی

طرح جلد: مهران زمانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ راستین

چاپ اول ۱۳۹۲

۱۵۰۰ نسخه، قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

حقوق چاپ و نشر محفوظ است

انتشارات مینوی خرد، بلوار میرداماد، خیابان شاه‌نظری

خیابان دوم، شماره‌ی ۲۲ / واحد ۲۲

تلفن: ۲۲۲۵۷۷۱۶ و ۲۲۲۵۶۹۴۲ / ۲۲۹۲۲۰۱۱

شابک: دوره ۹-۲۳-۶۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۲، ق. ۲، ۵-۲۱-۶۲۲۰-۶۰۰-۹۷۸

www.minooyekherad.com

فهرست مطالب

اختصارات

آمد	۱۳
فصل نخست: بحران آگاهی و بسط آگاهی نوآیین	۲۱
فصل دوم: بحران آگاهی و پدیدار شدن مفاهیم نوآیین	۸۹
فصل سوم: رویهٔ اسلام دینی	۱۵۳
فصل چهارم: نقش رساله در اصلاح نظام حقوقی	۱۹۷
فصل پنجم: دیدگاه‌های نود و اندیشهٔ سیاسی	۲۵۷
فصل ششم: دیدگاه‌های نور و اندیشهٔ اقتصادی	۳۰۹
فصل هفتم: نظریهٔ مشروعیت و راه‌ها	۳۷۳
فصل هشتم: نظریهٔ مشروطه‌خواهی اهل‌البیت	۴۲۵
فصل نهم: میرزای نائینی و نظریهٔ مشروطیت ایران	۴۷۵
خاتمه: تجدید مطلعی در مفهوم سنت	۵۲۷
کتاب‌شناسی	۶۶۵
نمایهٔ نام‌ها	۶۸۵
نمایهٔ کتاب‌ها	۷۰۳
نمایهٔ مفاهیم	۷۰۷

اختصارات

افکار، فریدون، آدمیت و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار
منتشر شده دوران قاجار،

الف، میرزا فتح علی آخوندزاده، الفبای جدید و مکتوبات،
اعلامیه‌ها، اعلامیه‌ها، شیخ فضل‌الله نوری، مکتوبات، اعلامیه‌ها و چند گزارش
پیرامون شش شهید فضل‌الله نوری،

بحران، مجلس آذربایجان، بحران دموکراسی در مجلس اول،

تبعید، میرزا آقاسی، فرمان، نامه‌های تبعید

تنبيه، میرزا محمد حسین، تنبيه الامه و تنبيه الملة.

تحریر، شیخ حادی نجم‌آبادی، بحر العقلاء،

خاطرات، میرزا محمود خان، اعتماد السلطنه، خاطرات احتشام السلطنه،

خرنامه، محمدحسن خان اعتماد السلطنه، خرنامه،

رسائل، رسائل مشروطیت: هجده رساله لایحه درباره مشروطیت، به کوشش
غلامحسین زرگری نژاد،

رساله‌ها، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، رساله میرزا ملکم خان،

روزنامه، محمدحسن خان اعتماد السلطنه، روزنامه اعتماد السلطنه،

سرگذشت، شیخ ابراهیم زنجانی، خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی، یا سرگذشت
زندگانی من،

سیاحتنامه، زین‌العابدین مراغه‌ای، سیاحتنامه ابراهیم بیگ،

سیاستنامه، ملا محمدکاظم خراسانی، سیاستنامه خراسانی: قطعات سیاسی و آراء
ملا محمدکاظم خراسانی،

عن، قهرمان میرزا سالور، روزنامه خاطرات عن السلطنه، جلد‌های ۱ تا ۳،

فواید، محمد کاشف، فواید راه آهن،

قاجار، رسائل سیاسی عصر قاجار، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد،

کتابچه، محمدشفیع قزوینی، کتابچه قانون،

مسلک، حاج اسدالله ممقانی، مسلک الامام فی سلامة الاسلام،
مکتوبه میرزا آقا خان کرمانی، سه مکتوبه
مکتوباته میرزا فتح علی آخوندزاده، مکتوبات کمال الدوله،
نامه‌ها میرزا فضل علی آقا تبریزی، بحران دموکراسی در مجلس اول : خاطرات و
نامهای میرزا فضل علی آقا تبریزی،
هات محمد مهدی شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار،
یک کلمه، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، یک کلمه،

درآمد

و نصیب من از دنیا این سخن گفتن آمد.^۱

ایرانیان در دو بخش جلد دوم تأملی درباره ایران است که دفتر نخست آن پیشتر با عنوان فرعی مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی انتشار پیدا کرده بود. در این بخش نیز به ویژه‌ای به آشکار شدن نشانه‌های بحران در نظام خودکامه، تکوین افکار ملی و تاریخ پدیدار شدن مفاهیم نوآیین و تحول آن‌ها داشته است. این وجه مهم از تاریخ معاصر ایران را که با اصلاحات عباس میرزا در دارالطه تبریز آغاز شده بود، دنبال کنم. در دفتر نخست این جلد به معنایی من از مکتب تبریز مراد می‌کنم، اشاره کرده‌ام. در این بخش نیز آن بحث را دنبال می‌کنم و در تأیید این گفته مجتبی مینوی که درباره نخستین کاروان معرفت نوشته بود: «این کاروان از آذربایجان روانه شد، و مقدمات تمدن اروپایی را از آنجا به وارد ایران کرد، و اولین ایالتی که مرکز شیوع نظامات و تأسیسات فرنگی شد آذربایجان بود»^۲، کوشش کرده‌ام به وجوه دیگری از تجددخواهی ایرانیان که از تبریز آغاز شد و برخی از تبریزیان نقشی پراهمیت در به ثمر رساندن آن داشته‌اند، اشاره کنم. در این بخش، توجه ویژه‌ای به تدوین نظریه حکومت قانون و تبدیل حقوق شرع به نظام حقوقی جدید داشته‌ام و بحث درباره مکتب تبریز را به میرزا یوسف مستشارالدوله تبریزی را در کانون این بحث قرار داده‌ام. به نظر من مفسران به جایگاه آن رساله در قانونخواهی ایرانیان التفاتی نکرده‌اند. میرزا یوسف خان، به‌رغم ملوک‌مآبانه‌ی، که بیشتر در زوایای غوغاییان بود، مردی شریف و رجل دولت‌خواه بزرگی بود، اما در دهه‌ای که مقدمات

۱. عنصرالمعالی، قانون‌نامه، ص. ۴. ۲. مجتبی مینوی، تاریخ و فرهنگ، ص. ۴۳۷.

جنبش مشروطه خواهی فراهم می آمد، رساله او مغلوب هوچی گری ها و انشاء نویسی های روزنامه قانون ملکم شد. بدیهی است که نویسندگان تاریخ مشروطیت در ایران اشاره هایی به اهمیت یک کلمه آورده اند، اما توجه آنان بیشتر از باب اهمیت سیاسی آن است، بویژه این که بنابر برخی گزارش ها به دست ناصرالدین آن را چندان بر سر مستشارالدوله کوفتند که چشم او آب آورد و از آن پس نیز روی در نقاب خاک کشید.^۱

به نظر من، اهمیت رساله یک کلمه بیشتر از آن که سیاسی باشد، حقوقی است. حتی اگر عواداران نظام مشروطه، سال هایی پیش از پیروزی جنبش مشروطه خواهی، داهیانه، به اهمیت این رساله پی برده بودند و من بر آن ام که با استقرار مشروطیت، بویژه زمانی که نخستین نظام حقوقی جدید ایران تدوین می شد، اهمیت رساله مبنای نظری تبدیل شرع به نظام حقوق عرف قرار گرفت. در نخستین دوره ها، نگذاری، همفکری و همکاری های اهل نظر سنت قدمای و آشنایان جدید موجب شد نظام حقوقی جدیدی بر پایه حقوق شرع ایجاد شود. این نظام حقوقی، که نخستین نظام حقوق عرف در ایران به شمار می آمد، به لحاظ فقهی، نظام حقوقی جدید بود، بر مواد نظام سنت اشراف داشت و بر پایه تقسیم نوین از شرع مغایرت های برخی از مواد آن را با مبنای فلسفه حقوق جدید رفع می کرد. تدوین این نظام حقوقی، که مبنای نظری جدیدی را در فهم نظام سنت فقهی وارد می کرد، اقدامی بی سابقه در دوره اسلامی ایران بود. مستشارالدوله، به دست است، پیشتر از

۱. فریدون آدمیت، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، ص. ۹۷. این نکته را باید به مناسبت بیفزاییم که ملکم خان پیشوای مقلدان بی شمار ایرانی و جو فروشان مقلدان ساده لوحی او در سیاست نظری حجاب شارلاتانی در قلمرو «سیاست عملی» بود که بهره آن از منافع حقیر او فراتر نمی رفت. این اشاره را برای خواننده ای می آورم که شگرت کرده در صفحات این دفتر می نگرد که در آن ها ذکر از خدمات شایان ملکم خان به جنبش قانون خواهی در ایران نیامده است. به نظر نگارنده این سطوره ملکم خان پیشوای مقلدان بود و مستشارالدوله، و نیز محمد خان کاشف السلطنه - که در فصلی درباره رساله راه آهن او سخن خواهم گفت - با امکانات اندکی که داشتند، اجتهاد می کردند. در دو بخش دومین جلد تأملی درباره ایران از این حیث بیشتر درباره این مجتهدان ناشناخته سخن گفته ام که این دفتر را مکان تأملی درباره اجتهاد مجتهدان قرار داده ام و نه جای تکرار تقلید مقلدان.

دیگران، به اهمیت این صبنای نظری در تجددخواهی التفات پیدا کرده بود، اما نه تنها معاصران او این مطلب را دریافتند، بلکه مفسران معاصر نیز نتوانستند معنا و جایگاه آن رساله را در بحث از نسبت نظام سنت قدمایی و اندیشه تجدد دریابند. پیشتتر گفته‌ام که حقوق شرع در کانون نظام سنت قدمایی ایران قرار داشت و، از این‌رو، هر کوششی در جهت تجددخواهی بایست خود را در نسبتی جدید با آن کانون سنت قدمایی قرار می‌داد. این نسبت جدید، به نوبه خود، می‌بایست تعادلی جدید میان نظام سنت قدمایی و اندیشه تجددخواهی ایجاد می‌کرد. در این بخش، کوشش کرده‌ام نشان دهم که تبدیل سنت شرعی به نظام حقوقی جدید در ادامه آن «شهود» میرزا یوسف خان مستشارالدوله امکان‌پذیر شد.

این‌که در مقاله‌های دیگری گفته‌ام که دستگاه مفاهیم تاریخ و تاریخ اندیشه غربی را نمی‌توان بدون منبع آن مفاهیم در مورد مواد تاریخ و اندیشه در ایران به کار گرفت، و در اینجا نیز خواهم گفت که بسیاری از مفاهیمی که از اندیشه سیاسی، فلسفه‌های دینی و دیگر حوزه‌ها برگرفته شده‌اند، برای تبیین گذشته و توضیح وضع کنونی ما سودمند نیستند. در این‌روست که، به نظر من، بسیاری از مفاهیم تاریخ و اندیشه غربی با مواد تاریخ و تاریخ اندیشه در ایران سازگار نیست و چنان‌که گریزی از سود جستن از آن مفاهیم نباشد، باید وجه سلبی آن‌ها را نیز لحاظ کرد. به عنوان مثال، امروزه، در بحثی درباره نسبت دین و دنیای جدید را در تحت اصطلاحی مطرح می‌کنند که در بحث‌های اروپایی secularisation خوانده می‌شود، اما تاکنون درباره این نکته کمتر بحث کرده‌ایم که با پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی در ایران تبدیل نظام حقوق شرعی به حقوق عرفی جدید در غیاب این مفاهیم انجام گرفت. شاید، زمان آن رسیده باشد که به جای این‌که مقلدان بحث‌های غربی باشیم، نظر خود را به سرشت مواد تاریخ و اندیشه در ایران معطوف کنیم. بدیهی است که در این بازگشت به مواد تاریخ و اندیشه در ایران برای ایضاح سرشت آن مواد به برخی از مفاهیم بحث‌های جدید نیاز خواهیم داشت، اما با تنقیح آن مفاهیم باید بتوانیم به نظریه‌پردازی درباره ایران برسیم. یکی از ویژگی‌های آن‌چه نسنجیده

«مشروطه ایرانی» خوانده‌اند، این بود که بنیادگذاران آن التفاتی به وجه سلبی مفاهیم جدید پیدا کرده بودند. نظریه‌پردازی درباره تاریخ و تاریخ اندیشه در ایران نمی‌تواند نظریه‌ای درباره اقدام بنیادگذاران «مشروطه ایرانی» نباشد، اما این نظریه‌پردازی زمانی می‌تواند نظریه‌ای عرضه کند که «مشروطه ایرانی» را با شروطی که نمی‌داند چیست نسجد، بلکه کوششی برای ایضاح منطق مشروطیت ایران» باشد. دستگاه مفاهیم تاریخ و اندیشه در ایران، به ضرورت، باید با توجه به مواد تاریخ و اندیشه در ایران تدوین شود و مضمون آن مفاهیم مثل این مواد باشد. دریافته نوآینی از نظام سنت قدمایی که با اصل حاکمیت دارالسلطنه تبریز پدیدار شد و از آن پس نیز تا پایان عصر ناصری ریشه‌ها را بر روی جنبش مشروطه‌خواهی ژرفای بیشتری پیدا کرد، نیازمند تدوین نظام‌های است که می‌تواند پرتوی بر بسیاری از زوایای تاریک تاریخ و تاریخ اندیشه در ایران بکشد. در این بخش کوشش کرده‌ام نشان دهم که تحولی را که در دریات نظام ملام سنت قدمایی از زمان انتشار یک کلمه تا تدوین نظام حقوق عرفی جدید در ایران پیدا شد، نمی‌توان با مفاهیم رایجی که از علوم اجتماعی و فلسفه‌های جدید دین گرفته‌ایم، فهمید. نخست، باید نقیص این تحول و نسبتی را که میان نظام سنت و اندیشه تجدید ایجاد شد، توضیح داد و، آنگاه، می‌توان مضمون مفاهیم جدید را به محک مواد تاریخ و اندیشه در ایران زد. هر نظریه‌پردازی درباره ایران، به رسم، نمی‌تواند بحث نسبت نظام سنت قدمایی و اندیشه جدید را مطرح کند. «تأملی درباره ایران» زمانی می‌تواند نظریه‌ای درباره ایران باشد که بتوان آن را نسبت را در مضمون مفاهیم سازگار با مواد تاریخ و اندیشه در ایران توضیح داد. در دو دفتر سومین جلد تأملی درباره ایران، بویژه نخستین دفتر آن که تاریخ سیاسی در ایران از پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی تا شهریور هزار سیصد و بیست را دنبال می‌کند، کوشش کرده‌ام نخست تفسیری از قانون اساسی مشروطه به دست دهم و به وجوهی از «انقلابی» که آن قانون اساسی در نظام حقوقی ایران ایجاد کرد، اشاره کنم. در واقع، بحث من درباره «مبانی نظریه مشروطه‌خواهی»، که در عنوان فرعی دفتری که در دست خواننده است، آمده،

در آن نخستین دفتر جلد سوم کامل خواهد شد.

نظر خواننده را به این نکته نیز جلب می‌کنم که مجلدات تأملی دربارهٔ ایران بخش‌هایی از یک طرح بزرگ‌تر دربارهٔ تاریخ اندیشه در ایران است که پیشتر نیز دفترهایی از آن در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. جای شگفتی است که همهٔ نویسندگان اندک رساله‌های دربارهٔ اندیشهٔ مشروطه‌خواهی در ایران تصور کرده‌اند که «اول این کهنه کتاب افتاده» بوده است و، از این‌رو، تاریخ مشروطیت را در بی‌اعتنایی کامل به تاریخ اندیشه در ایران، نوشتند گویی که با لفظ «کُن» خود کامگی‌ستیزی روشنفکران مشروطیت را عداوت به عرصهٔ وجود گذاشت. وانگهی، این نکته باید روشن باشد که تاریخ مشروطیت ایران مندرج در تحت تاریخ ادبیات و «تاریخ» در عرف «تاریخ‌نویس» ایرانی است که به هر حال هنوز بند ناف آن از ادب کهن بریده نشده است. نتیجتاً از این، تاریخ مشروطیت ایران لحظه‌ای در تاریخ اندیشهٔ مشروطه‌خواهی نیست. حتی دریافت ما از «مشروطه‌خواهی» در اروپا که معادلی برای اصطلاح *constitutionnalism* در تاریخ اندیشه است، تخته‌بند آن سابقه‌تراشی عوامانه‌ای است که تصور می‌کردند از «شرط» و «شازت» و ... برگرفته شده و مندرج در تحت قواعد لغت‌بازی از سنخ «شرط، شارط و هو مشروط» و ... قرار بگیرد. دریافت ما از جنبش مشروطه‌خواهی و اندیشهٔ مشروطیت زمانی دقت کم را پیدا خواهد کرد که آن را به عنوان فصلی در تحول مفاهیم اندیشهٔ ایران لحظه‌ای در «انقلاب‌های دموکراتیکی» و به مثابه آغاز پایان نظام‌های «مطلقه» و نه صرف نظام‌های سلطنتی - بفهمیم. از این حیث، مشروطه‌خواهی - مثلاً در تاریخ جهانی آزادی و حکومت قانون است، چنان‌که مفهوم مشروطه‌خواهی به نظام‌های کشورهایی نیز اطلاق می‌شود که نظام‌های جمهوری دارند.

تفصیل این بحث را در دفتری از جلدهای تاریخ اندیشهٔ سیاسی جدید در اروپا خواهم آورد، اما این نکته را باید دربارهٔ تلقی خود از تاریخ اندیشهٔ مشروطه‌خواهی به اشاره بگویم که نتایجی که من از این بررسی می‌گیرم، مبتنی بر مقدماتی است که در دفترهای پیشین مطرح کرده‌ام. باید اعتراف کنم

که از همه مباحثی که در مجموعه آن دفترها آمده خرسند نیستم، اما کوشش می‌کنم، با بازبینی و بازنویسی مجدد، بر دقت مفهومی آن‌ها بیفزایم و طرحی از تاریخ عمومی اندیشه سیاسی در ایران را به دست دهم که تاکنون فاقد آن بوده‌ایم.

تدوین نسخه نهایی درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، زوال اندیشه سیاسی در ایران و بازنویسی ابن خلدون و علوم اجتماعی در دست انجام است که باید در سال‌های آتی انتشار یابد. با انتشار نسخه نهایی این سه رساله مجموعه این رساله‌ها در اختیار خواننده و در معرض داوری او خواهد بود. طرح نخستین این مجموعه، که از بیش از سه دهه پیش آغاز شده است، چند رساله دیگر را نیز شامل شد، اما امکانات و توان من کمتر از آن بود که بتوانم همه چنین طرح‌ها را به جام برسانم. زمانی که خیال حوصله بحر می‌پخت، بر آن بودم که نوشته‌های دیگر، درباره اندیشه سیاسی فردوسی، حکمت خسروانی شهاب‌الدین هروی و تاریخ‌نویسی ابوالفضل بیهقی، بر رساله‌ای که درباره خواجه نظام‌الملک طوسی نوشته‌ام، بیفزایم. این فرصت، به شرحی که باید در جای دیگری بیاورم، فواید و مواد فراهم آمده نیز در سفرهای ناخواسته بسیار از دست رفت. تردیدی ندارم که به‌رغم پژوهش‌هایی که نویسندگان غربی درباره دو سده چهارم و پنجم انجام داده‌اند، هنوز به اهمیت آن در تحولات آتی تاریخ و تاریخ اندیشه در ایران التفاتی پیدا نکرده‌ایم. به هر حال، آنچه از این طرح نخستین من مانده، اینک، در دسترس خواننده است. تردیدی نیست که اشتباه‌های بسیار در این مجموعه راه یافته و البته اشکالات در مطالب آن اندک نیست، اما به نظر من باید که مقدمات کار برای پیش بردن طرحی در ابعاد ملی برای روشن کردن روابط ناشناخته تاریخ و تاریخ اندیشه در ایران فراهم آمده باشد. اگرچه مدعی که صرف پژوهش در کشور می‌شود، اندک است، اما شرایط تخصیص آن منابع برای کار تحقیق مساعد نیست و بخش‌های عمده‌ای از آن نیز اتلاف می‌شود. با ژرفایی که بحران در دهه‌های اخیر پیدا کرده، نیاز فوری به پژوهش‌های بنیادین درباره ایران بیشتر شده است. این نکته ظریف از نظرها فوت شده

است که پژوهش‌های بنیادین باید نسبتی با ژرفای بحران کنونی داشته باشد، اما جای تأسف است که بخش بزرگی - اگر نه همه - منابعی که باید برای پیشبرد پژوهش‌های بنیادین تخصیص یابد، در راهی صرف می‌شود که ناظر بر سیاست‌گذاری‌های روز است. «تأملی درباره ایران»، به گونه‌ای که در این صفحات به برخی از زوایای آن اشاره کرده‌ام، بحثی سیاسی و لاجرم ایدئولوژیکی، یعنی ناظر بر موضع‌گیری در پیکار برای قدرت، نیست، بلکه کوششی برای بحث درباره ایران به عنوان «موضوع» دانش نوآینی است که، به رغم هزار سال قدمت، جدید تاریخ ایران از نزدیک به دو سده پیش، تأسیس آن دانش به تعویق افتاد است. با ژرفایی که بحران تمدنی ایران پیدا کرده، زمان جانشین کردن «ایدئولوژی ایران» با ایدئولوژی پیکارهای سیاسی برای همیشه گذشته است. مدیریت است تا دردی که ریشه در بحث‌های ایدئولوژیکی دهه‌های پیش از انقلاب سیاسی داشت، به مرضی مزمن تبدیل شده است. امروز، آن ایدئولوژی‌ها - حتی به صورت اصلاح و انتقاد شده - به مانعی بزرگ در راه تاریخ‌نویسی جدید ایران تبدیل شده‌اند. صورت‌های گوناگون، اما سرشت یگانه این ایدئولوژی‌ها ناظر بر پیکار سیاسی است؛ اما در این دفتر، بحث بر سر قدرت سیاسی، به مثابه «داده ایدئولوژی»، نیست که نتوان بحثی علمی درباره آن کرد، بلکه موضوع «تأملی درباره ایران» برای ایضاح منطق «ایران» است. آن ایدئولوژی‌ها در قدرت با قدرت در بیرون قدرت بر قدرت بوده‌اند، و هستند، نسبتی با قدرت سیاسی دارند و سقوط آن‌ها نیز تابع قدرت است، اما «تأملی درباره ایران» تابع قانون‌های دگرگونی‌های موضوع خود را تبیین کند؛ سیاست می‌تواند تابع آن باشد ولی این بحث تابع قدرت سیاسی نیست.



اگر بحث یار می‌بود، این دفتر می‌بایست به مناسبت صدمین سال اعلام مشروطیت و برقراری نخستین حکومت قانون در ایران در دسترس

خوانندگان قرار گیرد، اما اسباب کار فراهم نشد و لاجرم تدوین نهایی این دفتر، که تحقیق بخش عمده‌ای از آن پیشتر به انجام رسیده بود، به تعویق افتاد. پیشتر نیز گفته‌ام که پژوهش و تدوین بخش‌های عمده‌ای از دو بخش این دومین جلد از تأملی درباره‌ی ایران در آغاز دهه‌ی هشتاد خورشیدی در پاریس آغاز شده بود، اما در سال‌های اخیر با نزدیک شدن سده‌ی مشروطیت منابع بسیاری نخستین بار به چاپ انتقادی رسید. وانگهی، برخی از کتابخانه‌هایی که گنجینه‌ای از منابع خطی این دوره را در اختیار داشتند، اندکی از آن‌ها را در دسترس پژوهندگان قرار دادند. حجت کاظمی با کوشش‌های خود تصویر یا طرح فشرده‌ی چندین رساله را از تهران فراهم آورد و در اختیار نگارنده قرار داد. در مواردی که انتشار تدریجی برخی رساله‌ها نیز اخلاقی در تدوین برخی فصل‌ها وارد کرد، بدین سان، وقفه‌ای در کار آماده‌سازی نهایی پیش آمد. بخش‌های عمده‌ای از این دفتر موضوع طرحی درباره‌ی نظریه‌ی حکومت قانون در ایران بود که پیشتر برای «مؤسسه‌ی پژوهش برنامه‌ریزی و مدیریت» انجام داده بودم و برخی از نتایج آن را در این دفتر آورده‌ام. انجام این طرح به اهتمام مسئول وقت آن مؤسسه، دکتر حسین راغفر، ممکن شده بود و با فراغت او از ریاست آن مؤسسه نیز طرح ادامه پیدا کرد. دکتر راغفر دست نگارنده باز گذاشته بود تا متن نهایی برای استفاده‌ی عموم منتشر کند؛ این بند از قرارداد در تصدی ریاست جدید مؤسسه تجدید شد. اینک متن نهایی با اصلاحاتی اساسی در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد اما بدیهی است که نگارنده مسئول همه‌ی نتیجه‌گیری‌هایی است که در این متن نهایی آمده است. اگر کوشش‌ها و یاری‌های چند تن از دوستان جوان ندارند، برای تهیه و ارسال برخی از منابع، و نیز خواندن برخی از فصل‌های این دفتر، نبود دست و پا بخش با کمبودهای بیشتری به دست خواننده می‌رسید.